



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی  
گروه آموزشی زبان و ادبیات عربی  
پایان نامه جهت اخذ درجه دکتری

عنوان:

# نقد و تحلیل مدح در ادب عربی خراسان (قرن ۴-۵ هـ.ق)

استاد راهنما:

دکتر سید محمد باقر حسینی

استادان مشاور:

دکتر نجمه رجائی

دکتر عباس طالب زاده

نگارش:

محسن محسنی

بهمن ماه ۱۳۹۰



بسمه تعالی

## صورتجلسه دفاع از رساله دکتری

جلسه دفاع از رساله آقای محسن محسنی دانشجوی دوره دکتری رشته زبان و ادبیات عربی در ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۰۵ در محل دانشکده ادبیات با حضور امضا کنندگان ذیل تشکیل گردید. پس از بررسی های لازم، هیات داوران رساله نامبرده را با نمره به عدد ..... به حروف ..... و با درجه ..... مورد تایید قرار داد / نداد.

### عنوان رساله

نقد و تحلیل مدح در ادب عربی خراسان ( قرن چهارم و پنجم هجری قمری )

امضا

هیئت داوران

- استاد راهنما: دکتر سید محمد باقر حسینی  
استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد  
استاد مشاور رساله ۱: دکتر نجمه رجائی  
استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد  
استاد مشاور رساله ۲: دکتر عباس طالب زاده شوشتری  
دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد  
استاد مدعو داخلی رساله: دکتر حسین ناظری  
استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد  
استاد مدعو خارجی رساله: دکتر افخمی  
دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد  
نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر علی نوروزی  
استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد  
مدیر گروه: دکتر حسید ناظری  
استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد

## تعهد نامه

این جانب محسن محسنی دانشجوی دوره دکتری رشته زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده پایان نامه "نقد و تحلیل مدح در ادب عربی خراسان قرن چهارم و پنجم هجری قمری" تحت راهنمایی آقای دکتر سید محمد باقر حسینی متعهد می شوم:

\*تحقیقات در این پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.

\*در استفاده از نتایج پژوهش های محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.  
\*مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک با امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.

\*کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می باشد و مقالات مستخرج با نام "دانشگاه فردوسی مشهد" و یا "Ferdowsi University of Mashhad" به چاپ خواهد رسید.

\*حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تاثیر گذار بوده اند در مقالات مستخرج از رساله رعایت شده است.

\*در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که از موجود زنده (با بافتهای آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.

\*در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاقی انسانی رعایت شده است.

تاریخ

امضای دانشجو

## مالکیت نتایج و حق نشر

\*کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن ( مقالات مستخرج، کتاب، برنامه های رایانه ای، نرم افزار و تجهیزات ساخته شده ) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.

\*استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی باشد.

**تقدیم به**  
**پدر و مادر مهربان**  
**و همسر گرامی ام**  
**که در تمام دوران تحصیل صمیمانه مشوق و همراه**  
**بوده اند**

## سپاسگزاری و تقدیر:

به رسم وظیفه صمیمانه ترین مراتب تشکر و قدردانی خویش را خالصانه تقدیم استادان بزرگوار و محترم، جناب آقای دکتر سید محمدباقر حسینی (استاد راهنما) و سرکار خانم دکتر نجمه رجائی و جناب آقای دکتر عباس طالب زاده شوشتری (استادان مشاور) که با حوصله و مهربانی و سعه صدر و دقت نظر، مرا از راهنمایی های ارزنده و ارشادات عالمانه خویش بهره مند ساخته ، و در طول نگارش رساله این حقیر را بزرگوارانه شرمنده الطاف و محبت های خویش نموده اند، می نمایم. و زیباترین گل سپاسگزاری را به پیشگاه این بزرگواران هدیه می کنم و از خداوند خواهانم که همه خادمان سنگر علم و معرفت را طول عمر با عزت و صحت و تندرستی عنایت فرماید و آنها را در انجام رسالت خطیرشان موفق و موید بدارد.



دانشگاه فروز دانش  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

فرم چکیده‌ی پایان نامه به زبان فارسی فارسی

نام خانوادگی دانشجو: محسنی

نام: محسن

استاد راهنما: آقای دکتر سید محمد باقر حسینی **استادان مشاور:** سرکار خانم دکتر نجمه رجائی-آقای دکتر عباس طالب زاده شوشتری

گرایش: - مقطع: دکتری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی رشته ی: زبان و ادبیات عربی

تعداد صفحات: ۲۹۵

تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۱۱/۵

عنوان پایان نامه: نقد و تحلیل مدح در ادب عربی خراسان ( قرن چهارم و پنجم هجری قمری )

کلید واژه‌ها: خراسان، مدح، نقد و تحلیل، ادب عربی

چکیده:

خراسان یکی از قدیمی ترین و پهناترین مناطق تاریخی و جغرافیایی ایران است که از همان گذشته، مهد پرورش و تربیت بزرگان علم و ادب بوده و بخاطر دارا بودن ویژگی های انسانی، اجتماعی، و فرهنگی جایگاه والایی را در گذر زمانهای گذشته، احراز کرده است. در این میان قرن چهارم و پنجم هجری که عصر طلایی ادب ایران است، در این سرزمین شاهد ظهور بیشترین و برجسته ترین علماء و ادباء و نویسندگان می باشد که با آثار و تالیفات خود ساحت علم و دانش را در حد کمال شکوفا و رونق بخشیده اند. و در شاخه های مختلف ادب بویژه نظم و نثر و اغراض متفاوت آن چون فخر، رثاء، مدح، غزل، وصف هنر آفرینی کرده اند. یکی از زیباترین اغراض ادبی که تمامی ادباء و نویسندگان این دو قرن بدان اهتمام خاص داشته و آثار و کلامشان را بدان مزین نموده اند. همان مدح است که در این رساله در قالب سه بخش به نقد و تحلیل آن پرداخته ایم.

بخش اول: خراسان در قرن چهارم و پنجم هجری قمری

بخش دوم: مدیحه سرایی در خراسان

بخش سوم: نقد و تحلیل مدایح ادباء خراسان

امضا استاد راهنما



دانشگاه شیراز  
مركز الدراسات والبحوث  
الاساسية في العلوم الانسانية

استماره ملخصه للرساله باللغه

مديره الدراسات العليا

لقب الطالب: محسنى

الاسم: محسن

الاستاذ المشرف: السيد الدكتور سيد محمد باقر حسيني

الاستاذ المساعد: السيده الدكتور نجه رجائي- السيد الدكتور عباس طالب

زاده شوشترى

كلية الآداب والعلوم الانسانيه:

فرع: اللغة العربية

مقطع: الدكتوراه

تاريخ المناقشه: ١٣٩٠/١١/٥

عدد الصفحات: ٢٩٥

عنوان الرسالة: النقد والتحليل للمدح في الأدب العربي بخراسان ( في القرنين الرابع والخامس للهجره)

المفردات الرئيسيه: خراسان، المدح، النقد والتحليل، الأدب العربي

ملخص:

إنَّ خراسان من اقدم المناطق التاريخيه فى ايران و اوسعها جغرافيه واعظمها منبتا لتربيه اكابر العلم والادب فى مختلف مجالات التقدم على مر العصور الماضيه ؛ و قد احرزت مكانه ساميه فى شانها لاجل ميزاتها الانسانيه و الاجتماعيه والثقافيه، كما نشاهد فى القرنين الرابع و الخامس للهجرى- وهو عصر ذهبى للتقدم العلمى- كثيرا من اكابر العلماء والأدباء والكتاب الذين قد ازدهروا فى ساحه الأدب العربى بعلمهم و مساعيهم الجميله و آثارهم القيمه ، وابتكروا فى الفروع العديده ، سيما النظم والنثر ؛ و اهتموا باغراضها المختلفه التى تكون لكل واحد منها دوراً رئيسياً فى الأدب ، كالفخر ، والرثاء ، والمديح والغزل ، الوصف و... و من اجمل هذه الاغراض الأدبيه هى المديح الذى تناوله الادباء فى مؤلفاتهم وزينوا كلامهم بها ، و نحن فى هذه الرساله قد حدثنا بالترتيب حول نقدها و تحليلها فى ثلاثه ابواب وهى:

الباب الاول: نظره الى خراسان فى القرن الرابع والخامس

الباب الثانى: المديح فى خراسان

الباب الثالث: النقد والتحليل لمدائح الأدباء فى خراسان

توقيع الاستاذ المشرف



## فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
	□ بخش اول: خراسان در قرنهای چهارم و پنجم (هـ.ق)
۱۸	الف: پیشینه تاریخی و جغرافیایی
۲۰	ب: پیشینه سیاسی و اجتماعی
۲۵	ج: پیشینه ادبی و فرهنگی
۳۱	د: عوامل و انگیزه های پیدایش و پیشرفت زبان و ادب عربی در خراسان
۳۷	ه: پیشگامان ادب عربی در خراسان
۳۷	۱- شمس المعالی قابوس بن وشمگیر
۴۱	۲- ابوبکر محمد بن عباس خوارزمی
۴۴	۳- ابوالفتح بستی
۴۶	۴- بدیع الزمان همدانی
۴۹	۵- ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی
۵۱	۶- خاندان میکالی
۵۵	۷- ابومنصور عبدالملک ثعالبی
۶۰	و: ویژگی های ادب عربی خراسان در قرن چهارم و پنجم
۷۰	ز: اغراض ادب عربی خراسان در قرن چهارم و پنجم
	۱- مدح
۷۲	۲- وصف
۷۴	۳- رثاء
۷۵	۴- هجاء
۷۶	۵- ذم و شکوی
۷۸	

صفحه	عنوان
۷۹	۶- غزل
<b>□ بخش دوم: مدیحه سرایی در خراسان (قرن چهارم و پنجم)</b>	
۸۳	الف: واژه مدح و پیشینه آن در ادب عربی
۸۸	ب: مدح در ادب عربی خراسان
۹۱	ج: انگیزه‌ها و عوامل پیدایش و رشد مدح در خراسان
۹۸	د: پیشگامان مدیحه سرایی در خراسان
۱۰۰	۱- ابوبکر محمد بن عباس خوارزمی
۱۰۲	۲- ابوالفضل میکالی
۱۰۳	۳- بدیع الزمان همدانی
۱۰۴	۴- ابوالفتح بستی
۱۰۵	۵- ابو منصور عبدالملک ثعالبی
۱۰۶	۶- ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی
۱۰۷	۷- ابوالحسن باخرزی
۱۰۸	۸- ابو حفص عمر بن علی مطوعی
۱۱۰	۹- ابونصر سهل بن مرزبان
۱۱۰	۱۰- ابویوسف یعقوب بن احمد
۱۱۱	۱۱- ابوسعید عبدالرحمن بن محمد بن دوست
۱۱۲	۱۲- امیر ابو ابراهیم نصر بن احمد میکالی
۱۱۳	۱۳- ابوعبدالرحمن محمد بن عبدالعزیز نیلی
۱۱۴	۱۴- ابوالوفاء محمد بن یحیی الکاتب
۱۱۵	۱۵- ابو محمد اسماعیل بن محمد الدهان

صفحه	عنوان
۱۱۶	۱۶- الشیخ ابوالبراهیم اسعد بن مسعود
۱۱۷	
	<b>و: ویژگی های مدح</b>
	<b>ه: انواع مدح</b>
۱۳۴	
۱۳۴	۱- مدح دینی
۱۳۷	
	۲- مدح خلفاء و پادشاهان
۱۴۰	
	۳- مدح وزیران و امیران
۱۴۳	
	۴- مدح دانشمندان و ادیبان
۱۴۷	
	۵- مدح شهرها و سرزمین ها
۱۴۹	
	۶- مدح اشیاء و پدیده های طبیعی
۱۵۵	
	۷- مدح محاسن و مکارم اخلاقی
۱۵۹	
	۸- مدح سیاسی
۱۶۴	
	۹- مدایح متفرقه

### □ بخش ۳: نقد و تحلیل مدایح ادبای خراسان (قرن چهارم و پنجم)

۱۶۷	<b>الف: پیش در آمدی بر تحلیل کلی مدح</b>
۱۸۱	<b>ب: بررسی و تحلیل مدح در آثار منظوم و منثور ادبای خراسان</b>
۱۸۱	۱- تحلیل ساختار، محتوا و مفاهیم
	الف: تحلیل ساختار
۱۸۱	
	ب: تحلیل محتوا و مفاهیم
۱۸۵	
	<b>ج: تحلیل جنبه های زیبا شناسی مدح</b>
۱۹۷	
	الف: محسنات رایج بدیعی
۱۹۸	
	۱- جناس
۱۹۸	

صفحه	عنوان
۲۰۱	۲- سجع
۲۰۳	۳- طباق و تضاد
۲۰۴	۴- مبالغه
۲۰۵	۵- موازنه
۲۰۶	۶- إفتنان
۲۰۸	۷- تفریق
۲۰۹	۸- مراعات نظیر
۲۱۰	۹- اقتباس
۲۱۳	۱۰- تضمین
۲۱۴	ب: صور بیانی
۲۱۴	۱- تشبیه
۲۲۱	۲- إستعاره
۲۲۳	۳- مجاز
۲۲۴	۴- کنایه
۲۲۵	<b>ج: محسنات ابتکاری و خلاقیت‌های هنری</b>
۲۲۶	۱- عناوین والقاب فخیم
۲۲۷	۲- تراسل
۲۲۸	۳- الفاظ و اصطلاحات فارسی
۲۲۹	۴- طرح معما
۷۳ .	۵- امثال و اندرزهای اخلاقی

د: تحلیل تطبیقی مدایح ادبای خراسان با برخی شعرای هم عصر آنان در بلاد عرب ۲۳۲

۲۳۳	۱- مقایسه و تحلیل مدح پادشاهان و امیران
۲۳۶	۲- مقایسه و تحلیل مدح وزیران، عالمان، فقیهان
۲۳۸	۳- مقایسه و تحلیل مدح اهل بیت پیامبر
۲۴۲	۴- مقایسه و تحلیل مدح حکمت و اخلاق
	۵- مقایسه و تحلیل مدح اماکن و سرزمین ها
۲۴۵	
۲۴۷	۶- مقایسه و تحلیل مدح اشیاء
۲۴۹	۷- مقایسه و تحلیل مدح اخوانی
۲۵۳	

و: نتیجه

#### هـ- فهرست ها

۲۵۷	۱- فهرست آیات
۲۵۸	
۲۵۹	۲- فهرست احادیث
	۳- فهرست اشعار
۲۸۶	۴- فهرست منابع و مأخذ

## مقدمه

سپاس بی قیاس خداوند یکتا و حکیم بزرگ توانا را سزد که جهان پر رمز و راز هستی را به ید قدرت خویش بیافرید و پهنه ی بیکران آن را به گوهر وجود انسان، بیاراست، تا وی ظلمت جهل و نادانی را به برکت نور و دانایی، روشن سازد، و راه سعادت و نیکبختی را به توفیق الهی اش بپیماید. و سلام بر پیامبران رحمت و هادیان طریقت عزت بویژه یگانه اولیاء و برگزیده کبریاء محمد مصطفی ( ص ) و دودمان پاک حضرتش، که انسانیت را هویتی تازه بخشیدند و آدمی را به راه دانش و خرد، رهنمون شدند. و درود بر همه ی رهروان راستین هدایت و پاسداران حریم معرفت، که عمر گرانبهایه را ارزانی خدمت به دانش و بشریت می نمایند، تا چراغ سعادت را فراروی انسان قرار دهند و میراث گذشتگان را به آیندگان بسپارند. و اما بعد ...

از زمانی که دست تقدیر مرا به شوق تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد، روانه دانشگاه نمود، و توفیق آشنایی با استادان بزرگ و فرهیخته را نصیب و بهره من ساخت، آنچه بیش از هر چیز در این فرصت، فکر و ذهن مرا به خود مشغول نمود و علاقه ی مرا برانگیخت، سخنان یکی از اساتید محترم و مهربان دانشگاه فردوسی مشهد بود که پیوسته، دانشجویان را به مهجور بودن ادبیات خراسان و بزرگان گمنام این خطّه هشدار می داد و علاقه مندان را بزرگوارانه به پژوهش در این زمینه ، توصیه می نمود. و این شد که کلام گرم ایشان، همه وجودم را مجذوب ساخت و مرا مصمم به پرداختن به ادبیات خراسان کرد. تا اینکه توانستم با مشورت معظم له موضوع پایان نامه خود را به ترجمه و تحقیق یکی از آثار ادبای مشهور خراسان، اختصاص دهم، و به توفیق خداوند در سایه راهنمائیهای ارزنده ایشان به خوبی از عهده این کار برآمدم به طوری که این شروع، بر شور و شوق من به پژوهش بیشتر در این

زمینه، افزود. و در این فکر بودم که به طریقی به این احساس درونی ام پاسخ دهم ، تا سرنوشت مرا دوباره در مسیر تحصیل در مقطع دکتری قرار داد. با شروع تحصیل در این مقطع، فکر

## الف

تحقیق در ادب عربی خراسان در ذهنم خلجان می کرد و اشتیاق درونی ام را دو چندان می ساخت لذا بر آن شدم که با مشورت با آن استاد بزرگوار و دیگر استادان معظم گروه ادبیات عربی دانشگاه فردوسی، پایان نامه خود را به موضوعی در ارتباط با ادب عربی خراسان اختصاص دهم. بر این اساس مبحث (( نقد و تحلیل مدح در ادب عربی خراسان ) قرن چهارم و پنجم هجری ) را به عنوان موضوع رساله پیشنهاد نمودم، که خوشبختانه با موافقت استادان بزرگوار گروه همراه گردید. و اینک آنچه از نظر خوانندگان محترم می گذرد، حاصل پژوهش و بررسی های این حقیر در رابطه با موضوع مذکور به راهنمایی اساتید ارجمند، می باشد.

باید دانست که این موضوع از چند جهت حائز اهمیت است، اول اینکه، تا بحال بطور مدوّن تحقیق شایسته و بایسته ای در زمینه مدح و حتی دیگر اغراض ادب عربی خراسان، صورت نگرفته و موضوع نسبتاً تازه و قابلیت لازم را برای پژوهش ، دارا می باشد. دیگر اینکه ادب عربی خراسان در قرن چهارم و پنجم از غنای عمیق و گسترده ای برخوردار است، و این رساله می تواند فتح بابی برای پرداختن بیشتر به امر تحقیق در این زمینه باشد. و مضافاً رویکرد پژوهشی به ادبیات عربی خراسان و شناساندن بزرگان ادب این دیار که نام و آثارشان در لابلای اوراق تاریخ ناشناخته مانده، رسالتی است مّلی که باید همه اهل علم این دیار، در برابر آن احساس مسئولیت نموده و دین خود را نسبت به سرزمین شان اداء نمایند و ...

حال این حقیر با عنایت به موارد فوق و توجهات خداوند و راهنمایی های استادان محترم، این باب را آغاز و در حدّ توان و بضاعت علمی خود انجام دادم. که به جهت آشنایی

خوانندگان با موضوع و محتوای آن، یادآور می شوم: که این رساله مشتمل بر سه بخش می باشد. بخش اول اختصاص به بررسی پیشینه تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، ادبی و سیاسی خراسان در قرن چهارم و پنجم هجری داشته، و در بخش دوم، مدیحه سرایی در خراسان مورد نگرش واقع شده و در بخش سوم این رساله

## ب

مدح به عنوان یکی از اغراض ادب عربی خراسان مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است، و در پایان مقایسه ای تحلیلی بین مدایح ادبای خراسان و شعرای عرب زبان هم عصر آنها در بلاد عرب، آمده است. امید دارم این مختصر مورد توجه و استفاده خوانندگان و دانشجویان مشتاق به تحقیق در ادبیات خراسان واقع گردد.

در پایان به رسم وظیفه، بر خود لازم میدانم که خالصانه از استاد ارجمند و فرهیخته جناب آقای دکتر سید محمد باقر حسینی که مرا با محبت و مهربانی از اندرزه های حکیمانه و راهنمائیهای روشنگرانه بهره مند ساخته اند، و همچنین از سروران معظم و اساتید محترم سرکار خانم دکتر نجمه رجایی و جناب آقای دکتر عباس طالب زاده شوشتری که با نهایت لطف و شفقت، ارشادات عالمانه و حکیمانه خویش را ارزانی این حقیر نموده اند، کمال تشکر و سپاسگزاری را نمایم. و از خداوند بزرگ خواهانم که همه ی طلایه داران علم و دانش بویژه این سروران والا مقدار را در پناه خویش مصون و منصور بدارد.

ان شاء الله... محسن محسنی

مشهد- بهمن ماه

۱۳۹۰



**بخش اول**

**خراسان در قرن چهارم و پنجم**

## ■ بخش اول: خراسان در قرن ۴، ۵ (ق. ۵)

### الف: پیشینه تاریخی و جغرافیایی

خراسان نام سرزمینی است بس کهن که در زبان فارسی قدیم به معانی مختلفی به کار رفته ولغت شناسان تعبیر گوناگونی از این واژه ارائه داده اند. برخی بر این عقیده اند که خراسان به معنای خاور زمین است و این اسم در اوایل قرون وسطی بر تمامی ایالات اسلامی که در سمت خاور و کویر لوت تا کوههای هند واقع بوده، اطلاق می شده، و بلاد ماوراءالنهر در شمال خاوری به استثنای سیستان و قهستان در جنوب را در بر می گرفته است (لسترنج، ۱۳۶۴: ۴۰۸). بعضی دیگر خراسان را برگرفته از (خور) به معنای خورشید و (آسان) به معنای طلوع دانسته، و این منطقه را سرزمین طلوع خورشید یا تجلی آفتاب شمرده اند. (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۵۰). در برهان قاطع خراسان به معنای مشرق آمده که در مقابل مغرب باشد و آن نام ولایتی مشهور است. چون آن ولایت در شرق فارس و عراق واقع شده، آن را بدین نام خوانده اند (تبریزی، ۱۳۶۲: ۲، ۲۳۲) در زبان پهلوی نیز خراسان به معنای مشرق، یعنی محل طلوع آفتاب آمده و شعرا نیز چون فخرالدین اسعد گرگانی در اشعار خود از این ناحیه به نام مشرق یاد کرده اند. او در مثنوی (ویس و رامین) خراسان را (خور آیان) یعنی جایی که خورشید از آنجا بر می آید، می نویسد (بهرامی، ۱۳۵۰: ۲۷۵) مضاف بر این اقوال، نظرات دیگری نیز درباره این واژه از سوی جغرافی دانان و زبان شناسان در منابع مختلف، ذکر شده، که هریک به طریقی گویای معرفی این سرزمین می باشد. و لی آنچه همه پژوهشگران بر آن اتفاق نظر دارند و بدان در آثار خود اذعان نموده اند، این است که خراسان قدمتی دیرینه داشته و در مقایسه با امروز از حدود جغرافیایی وسیع و گستره بیشتری برخوردار بوده است و در آن اقوام و تمدنهای مختلف زندگی کرده اند، در معجم البلدان می خوانیم: «خراسان بلاد وسیعی است که نخستین حد آن حدود عراق و قصبه ی جوین و بیهق است و آخرین حدش از حدود هند و طخارستان و غزنه و سجستان و کرمان می باشد. این سرزمین مشتمل بر شهرهای بزرگی چون نیشابور، هرات و مرو است که شهر اخیر مرکز خراسان شمرده می شود.» (یاقوت حموی، ۱۹۷۵: ۳، ۲۲۷) بعد از ظهور اسلام در

ایران و انتشار آن در مناطق مختلف به ویژه خراسان یعنی حوالی قرن چهارم هجری قمری، هرگاه سخن از ماوراءالنهر بمیان آمده نام خراسان نیز ذکر شده، و حتی از آن به عنوان مملکت یاد نموده اند. چنانکه گویند: «خراسان نام مملکت است و این مملکت عرصه وسیع دارد، حد شرقی آن منبع آمویه و جبال بدخشان و کوه های تخارستان و بامیان است و حد غربی آن، خوارزم و خراسان و جرجان تا بحر خزر و بعضی از حدود قومس و ری را در بر می گیرد. حد شمالی خراسان به جیحون منتهی شده و جنوب آن حوالی سند است...» (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۱۰، ۹).

صاحب کتاب تقویم البلدان که از محققان برجسته علم جغرافیاست، می نویسد: (خراسان شهر های زیادی دارد که اهل عراق آن را از ری تا مطلع الشمس می دانند. وی اضافه می کند، این سرزمین از طرف مغرب بیابانی است که بین خراسان و گرگان واقع شده و از طرف جنوب محاط به بیابانی بین خراسان و فارس و دامغان، و از طرف مشرق به نواحی سجستان و بلاد هند و از سمت شمال به بلاد ماوراءالنهر محدود می گردد. (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۴۴۱) دیگر نویسندگان و پژوهندگان علم جغرافیا همچون حمدا- مستوفی - یعقوبی، بیهقی و .... در منابع و آثار خود به موقعیت، اهمیت و وسعت این سرزمین بتفصیل اشاره کرده اند و بر این نکته تاکید دارند که خراسان بزرگ در گذر تاریخ بنا به عوامل مختلف چون جنگها، تحولات سیاسی و حکومت ها، روز به روز وسعت و گستردگی خود را از دست داده و بسیاری از نواحی و مناطق تابعه، از آن جدا گشته است بطوری که امروزه، آنچه در شرق و شمال شرقی ایران بعنوان خراسان نامیده می شود، سرزمینی است که وسعت آن  $۲۴۷۶۱۸/۳$  کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر  $۶۵۷۱۴۶۶$  نفر می باشد.

گستردگی فعلی آن  $۳۰$  درجه و  $۳۱$  دقیقه تا  $۳۸$  درجه و  $۱۷$  دقیقه عرض جغرافیای و  $۵۵$  درجه و  $۲۲$  دقیقه تا  $۶۱$  درجه و  $۱۷$  دقیقه طول جغرافیایی است. این استان از شمال و شمال شرقی  $۷۵۱/۷$  کیلومتر با جمهوری ترکمنستان و از شرق  $۶۱۹/۴$  کیلومتر با کشور افغانستان مرز مشترک دارد. از جنوب با استان های سیستان و بلوچستان، یزد و کرمان و از مغرب با استانهای یزد، اصفهان، سمنان و گلستان همجوار می باشد (پاپلی یزدی: ۴۹) این استان  $۲۷$  برابر کوچکترین استان کشور (استان قم)

مساحت داشته و طولانی ترین مرزهای کشور را دارا است. بطوریکه گفته اند: «خراسان به تنهایی با مساحت ۷ کشور اروپایی شامل سوئیس، اتریش، دانمارک، هلند، بلژیک، لوکزامبورگ و چک برابری می کند و تقریباً ۱۴ برابر مساحت کشور کویت، ۲۲/۵ برابر کشور قطر، ۳۶۴ برابر کشور بحرین است» (پاپلی یزدی: ۵۲) ولی با همه وجود در مقایسه با گذشته، حدود و ثغور آن به مراتب کاهش یافته و از وسعت آن کاسته شده است. و امروزه همین محدوده جغرافیایی را تحت عنوان سه استان نوظهور به نام های، خراسان رضوی، خراسان شمالی و خراسان جنوبی می شناسیم.

### ب: پیشینه سیاسی و اجتماعی:

این سرزمین تاریخی بنا به دلایل متعدد چون، وسعت و پراکندگی جغرافیایی، اهمیت اقتصادی، تمدنها و حکومتها و همچنین دیگر شرایط سیاسی و اجتماعی در طی ادوار گذشته همواره دستخوش تحولات بسیاری در عرصه های فرهنگ، اجتماع و سیاست گشته است و این تحولات تاثیرات بسزایی در پیشرفت و شکوفایی این سرزمین و نیز برخی زمانها رکود فرهنگی و اجتماعی آن گذاشته، که شایسته است در این قسمت اشاراتی کوتاه به اوضاع سیاسی و اجتماعی آن بعد از ظهور اسلام، داشته باشیم.

با سقوط دولت ساسانی و پایان غم انگیز شاهنشاهی در ایران، درخشش خورشید اسلام در این سرزمین تحولات دامنه داری در صحنه های سیاست و فرهنگ جامعه آن روز رقم زد و ایران با تمدنی جدید و متفاوت با گذشته روبرو گشت. این تمدن جدید به دست قوای نظامی عرب که وظیفه تبلیغات اسلام را داشتند با شعار آزادی و مساوات شکل گرفت، به سرعت در مناطق مختلف توسعه یافت و دیری نپایید که بظاهر ایرانیان در اداره امور سیاسی، نظامی و دیگر شوون اجتماعی، دینی، علمی و ادبی سهیم گشتند. (صفا، ۱۳۷۸: ۴، ۱) ولی با همه وجود زیر سلطه قهر آلود و تحقیر آمیز نژاد عرب به سر می بردند و این سیطره بر آنها بسیار سخت و ناگوار بود، با روی کار آمدن معاویه و تاسیس دولت بنی امیه، این سلطه شدت یافت و نسبت به ایرانیان بواسطه تعصبات قومی شدید، رفتار بسیار بدی داشتند. تا جایی که مردم ایران از این وضعیت به ستوه آمدند، و با آغاز